

مقایسه معیارهای کیفیت زندگی شهری در نظریات معاصر و مفاهیم استخراج شده در خصوص شهر اسلامی بر مبنای علل چهارگانه معماری

• ساناز لیتکوهی*

استادیار، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه پیام نور تهران

• سپیده سنجری**

کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه پیام نور

چکیده:

مقاله حاضر به مقایسه معیارهای کیفیت زندگی شهری و مفاهیم استخراج شده در خصوص شهر اسلامی از دیدگاه تحلیل علت‌های چهارگانه پرداخته است. روش انجام تحقیق توصیفی - تحلیلی و آنچه بهانه انجام این پژوهش بوده، مقایسه آنچه در تحقیقات متفکران معاصر غربی به عنوان معیارها و ملاک‌های سنجش کیفیت فضای شهری عنوان شده از طرفی و مشخصه‌ها و ویژگی‌های شهر اسلامی از دیدگاه منابع اسلامی از طرف دیگر بوده است. تمامی مکاتب معماری و شهرسازی در این نکته توافق دارند که یکی از مهمترین اهداف طراحی، برآورده کردن نیازهای مادی و معنوی انسان با بالاترین کیفیت ممکن می باشد گرچه در مورد تعریف کیفیت زندگی و شاخصهای موثر بر آن هنوز توافق صددرصدی وجود ندارد با اینحال با بررسی سابقه تحقیقات انجام شده در این موضوع می توان به معیارها و شاخصهای کلی تعیین شده دست یافت. در راستای دستیابی به هدف پژوهش، در درجه اول معیارهای کیفیت زندگی شهری از دیدگاه متفکران و محققان غربی از سال ۱۹۷۲ تا حال حاضر مورد مطالعه قرار گرفته و ضمن استخراج، مطابق با علل چهارگانه مادی، صوری، غایی و فاعلی دسته بندی شده تا امکان بررسی کمی آنها وجود داشته باشد. همچنین معیارها و صفات شهر مطلوب اسلامی از منابع دینی، روایات، احادیث و مقالات مرتبط با شهر اسلامی استخراج و دسته بندی شده است. برای نتیجه گیری فراوانی نسبی هر یک از علل چهارگانه در دو بخش مورد مقایسه تطبیقی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن بوده است که علل غایی بیشترین فراوانی را در هر دو دسته بندی دارا بوده اند. علل صوری در ویژگی‌های شهر اسلامی کمیتی بیشتر از شاخصهای تعیین شده توسط متفکران غربی داشته اند و علل مادی بیشتر مورد توجه متفکران غربی بوده است. مهمترین تفاوت در بخش علل فاعلی قابل مشاهده است بطوریکه دیدگاهها، جهان بینی و بینش معمار و شهرساز در تعیین شاخصهای کیفیت فضای شهری بسیار کمرنگ مطرح شده و فراوانی حدود یک درصد داشته اند در حالیکه این نسبت در تعالیم و مفاهیم استخراج شده در خصوص شهر اسلامی بسیار جدی تر و پررنگ تر می باشد. اعتقاد به حکمت الهی و وحدت موجود در پس کثرتهای ظاهری، باعث شده است تا نگرش و بینش معمار و شهرساز اسلامی، جامعتر و حکیمانه تر از هم‌تایان غربی آنان باشد که نتیجه این امر تلاش در جهت تعالی و اعتلای انسان ضمن برآوردن خواستها و نیازهای روزمره آنان و در یک کلام تجسم اصل تذکر در معماری و شهرسازی بوده است.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی شهری، معیار سنجش، شهر اسلامی، علت فاعلی، علت غایی

مقدمه:

روش تحقیق:

راهبرد بکار رفته در این مقاله، راهبرد توصیفی-تحلیلی است که در آن محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد. این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود درباره آن فراهم می‌شود. از نظر منطقی جزئیات مربوط به مسئله تحقیق خود را با گزاره‌های کلی مربوطه ارتباط می‌دهد و به نتیجه‌گیری می‌پردازد و لذا می‌توان شیوه تحقیق حاضر را استدلال منطقی نامید.

در ابتدا با مطالعه ادبیات موضوع و تحقیقات انجام شده توسط متفکران غربی در خصوص شاخصهای تعیین کیفیت فضای شهری، این شاخصها استخراج شده و سپس بر مبنای علل چهارگانه فلسفی، تقسیم بندی کمی در مورد آنها انجام گرفته است. از طرفی خصوصیات، صفات و ویژگیهای شهر اسلامی از طریق مطالعه منابع دینی، معماری و نیز بررسی نمونه های موجود شهرهای اسلامی صورت گرفته و مجموعه مطالب استخراج شده مجددا در چهارچوب علل چهارگانه تفکیک شده و نهایتا مقایسه تطبیقی و تحلیلی بین ارزش و اهمیت هر یک از وجوه چهارگانه در معیارهای غربی و ویژگیهای شهر اسلامی صورت گرفته است. در گردآوری داده ها از ابزارهای کتابخانه‌ای، مشاهده و مصاحبه استفاده شده است.

هدف از انجام این پژوهش مقایسه میزان توجه و پرداختن به هر یک از علت‌های چهارگانه (فاعلی، غایی، مادی و صوری) در دو دیدگاه نظریات متفکران معاصر غربی در خصوص معیارهای تعیین کیفیت فضای شهری از یکسو و مولفه ها و مشخصه های شهر اسلامی از سوی دیگر است. در واقع با پذیرش امکان تعمیم علل چهارگانه فلسفی به دست ساخته های بشری من جمله معماری و شهرسازی، این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این سوال است که میزان توجه و اهمیت هر دسته از این علل در این دو دیدگاه چه تفاوتی دارد. جهت نیل به این مقصود ابتدا با مطالعه منابع موجود پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته که در این راستا تحقیقات انجام شده در ۴ دهه اخیر توسط متفکران غربی جمع آوری شده و شاخصهای تعیین کیفیت فضای شهری از آنها استخراج شده است. در گام بعدی با مطالعه منابع اسلامی فقهی و نیز بررسی نمونه شهرهای اسلامی در طول تاریخ و اصول حاکم بر آنها، مولفه ها و شاخصهای حاکم بر طراحی شهر اسلامی استخراج پرديده است. در این مرحله سعی در دسته بندی راهکارهای معماری و نیز توصیه های فقهی آمده در مورد شهر اسلامی صورت گرفته و نتیجتا موارد استخراج شده در دو بخش کلی راهکارهای معماری - شهرسازی و نیز اصول منتج از دستورالعملهای فقهی تفکیک شده است. در نهایت با دسته بندی شاخصهای استخراج شده هر دو گروه در قالب علل چهارگانه، فراوانی هر دسته مشخص و میزان اهمیت این دو دیدگاه نسبت به هر کدام از علل چهارگانه تعیین و مورد مقایسه قرار خواهد گرفت.

علتهای چهارگانه

- با وجود پذیرش مفهوم کلی معماری که همان ساخت و ساز، عمران و آبادانی و مدیریت بر فرایند آن می باشد، با اینحال توافق نظر کلی و صددرصد در خصوص تعریف معماری هنوز به دست نیامده است چرا که اغلب تعاریف با رویکردهای حصری به موضوع نگریسته و در نتیجه تعاریف ارائه شده جامع و مانع نخواهد بود. پذیرش دیدگاه سامانه ای در خصوص معماری در ارائه تعریفی جامعتر نسبت به موارد موجود راهگشا خواهد بود. مطابق این رویکرد ابرسامانه معماری از ترکیب چهار زیرسامانه تشکیل شده که هر کدام از این زیر سامانه ها متناظر با یکی از علتهای چهارگانه فلسفی و متناظر با آن عناصر و آیتمهای شکل دهنده آثار معماریست. در واقع اگر اثر معماری را معلولی حاصل از علل خود بدانیم، ضمن رابطه نیازمندی که بین معلول و علتها وجود دارد، وحدت ذاتی نیز بین آنها برقرار است. لذا از چهار علت مطرح در فلسفه شامل علتهای غایی، فاعلی، مادی و صوری می توان به عنوان پایه ای منطقی برای تعریف معماری و شهرسازی نیز مدد جست که این مساله به ما این امکان را می دهد تا اهمیت، نقش و جایگاه مجموعه عوامل پدیدآورنده معماری را تعیین و رابطه میان آنها را تبیین نماییم.
- ◆ **علت فاعلی:** طراح (معمار یا شهرساز) و تیم پدیدآورنده اثر معماری، علت فاعلی اثر را تشکیل می دهند. آنچه در تعریف علت فاعلی می بایست مورد توجه قرار گیرد این مطلب است که علت فاعلی صرفا به تبیین نقش طراح در فرایند طراحی نپرداخته، بلکه آنچه منظور نظر است دیدگاه و جهان بینی طراح در بعد نظری و توان پیاده سازی آنها در بعد عملی است.
- ◆ **علت غایی:** هدف و منظور نهایی از ایجاد اثر معمار علت غایی اثر معماری را تشکیل می دهد. در واقع پاسخی که به سوال "معماری برای چه؟" داده می شود می تواند توضیح دقیق این علت باشد.
- ◆ **علت مادی:** مصالح، کالبد با توده اثر معماری علت مادی آنرا تشکیل می دهند که فارغ از فرم و شکل ظاهری، دستمایه اولیه ایجاد فضایی باشد.
- ◆ **علت صوری:** علت صوری در واقع کلیت فرم، شکل، حجم، رنگ و ویژگیهای بصری اثر معماری است.
- از میان علل پدید آورنده اثر معماری دو علت صوری و مادی ملموس تر و روبنایی تر بوده و مقایسه آنها در آثار مختلف معماری به راحتی قابل انجام است. ضمن اینکه این دو علت، معلول دو علت غائی و فاعلی می باشند. در مقایسه علت غائی و فاعلی نیز می توان گفت در دیدگاه اسلامی علت غایی ریشه در علت فاعلی دارد چرا که هدف از ایجاد معماری را جهان بینی، عقاید و آرمان های معمار رقم می زند. از آنجا که در مقاله حاضر هدف مقایسه معیارهای کیفیت زندگی از دیدگاه متفکران غربی و شاخص های شهر اسلامی بر مبنای علل چهارگانه معماریست، لذا برای امکان مقایسه صحیح می بایست مابه ازای هر یک از علل چهارگانه را در محیط شهری تعیین نمود. در واقع معیارهای استخراج شده در بخش اول می بایست به علل چهارگانه تفکیک شده و سپس مقایسه تطبیقی بین آنها و ویژگیهای شهر اسلامی صورت گیرد. گام اول برای این انجام این مقایسه تعریف مجموعه علل چهارگانه در شهر است. ساختمانها، زیرساختهای شهری و امکانات شهر ذیل علت مادی و ویژگیها و جلوه های بصری و هنری ساختمانها، معابر و نیز فضاهای سبز و باز شهری ذیل علت صوری قابل تقسیم بندی می باشند. مساله چالش برانگیز تفکیک عوامل مابه ازای علت غایی و فاعلی است.



به بیان دیگر اهداف و آرمان‌های معمار و شهرساز می‌بایست به درستی در دو بخش فاعلی و غائی تقسیم بندی شود به این منظور اهداف عملی یا روانی ایجاد فضاها و ساختمانهای شهری در بخش علت غائی و اهداف متعالی و معنوی آن در بخش علت فاعلی تقسیم بندی می‌شود. در واقع برآورده سازی نیازهای جسمی و روانی ساکنان شهر (که با هدف تامین و ارتقای کیفیت زندگی شهری در تمامی دیدگاهها مورد توجه است)، علت غایی شهر محسوب می‌شود اما آنچه که تفاوت بین جهان بینی اسلامی و غربی را تشکیل می‌دهد توجه به ارتقای معنویت و نیازهای فطری ساکنان شهر است که ذیل عنوان علت فاعلی تقسیم بندی در مورد آنها صورت خواهد گرفت.

پیشینه انجام پژوهش

شهر

ساخت‌های شهری، متاثر از مجموعه‌های به هم پیوسته‌ای از زیر ساخت‌های اجتماعی است که منجر به مجموعه‌ای سیستمی شده و به نوبه خود شرایط مادی و معنوی زیست را معین کرده و تاثیر بازتابی این مجموعه سیستمی در سرنوشت مادی و معنوی افراد و جوامع انکارناپذیر است. (نوحی، ۱۳۷۹: ۲۸) از منظر جامعه‌شناسی زندگی شهری به دگر دیسی اساسی در قیود خویشاوندی و ارتباطات اجتماعی منجر می‌شود و هر چه شهرها بزرگتر شوند انسجام، یگانگی، صمیمیت، روابط اخلاقی و همکاری و احساسات عالی انسانی ضعیف تر شده و به تدریج پاره‌ای از خصوصیات سنتی مثبت و حتی قیود مذهبی که در دوره‌های پیشین وجود داشته به تضعیف می‌گرایند. (موسوی-نوی، ۱۳۹۱: ۱۸۶) که یکی از مهمترین ممیزه‌های شهرهای اسلامی نسبت به همترازان غیر اسلامی خود، وقوع گسست کمتر در این وادی می‌باشد.

با دیدگاهی آرمانگرا موضوع آرمانشهر یا بهشت زمینی، تصویری از شهر خداوند بر روی زمین است که بشر بتواند در آنجا به آرمان‌ها و خواسته‌هایش را تحقق بخشد. در

این حیظه از دیر باز بسیاری از متفکرین و اندیشمندان در قالب ایده کلی و یا الگوی عمومی شهر ایده آل با عنوانهایی چون: مدینه فاضله، آرمانشهر، شهر خوبان، ناکجا آباد، اتوییا و... قلم فرسایی کرده و در قرون متاخر نیز افرادی چون مارکس، پرودون، هاوارد، اتین کابه، شارل فوریه، رابرت اوون، لوکوربوزیه و لینچ به الگوهایی برای شهر ایده آل اشاره نموده‌اند. مطابق دیدگاه غربی شهر آرمانی در اتویایی نمود پیدا می‌کند که بر اندیشه‌های افلاطون نخستین فیلسوف آرمانگرای غرب استوار است. فضای اجتماعی که در آن "اجتماع" در حد کمال بوده و تمامی افراد با شادی از زندگی خویش لذت می‌برند. سرزمینی که در آن بر اساس تفکر و فلسفه برخی گروه‌های سیاسی و مذهبی نظامی برقرار می‌گردد که در سایه آن انسان‌ها به سعادت و کمال دست می‌یابند. (علی آبادی، ۱۳۸۵: ۱۴۵)

در ایران نیز اندیشه آرمانشهر از دیر باز به صورت اساطیری وجود داشته و در دوران اسلامی در عرصه‌های دین، حکمت و ادب خود نمایی کرده است. آرمان شهرهای ایرانی بر خلاف آرمان شهر یونانی، مبانی خود را نه از خرد و تعقل فلسفی که نتیجه آمیزش فلسفه یونانی با اخلاق و عدالت و مدنیت بود، بلکه از ادراک اسطوره‌ای و راز آمیز نسبت به جهان هستی اخذ می‌کردند. به عبارتی دیگر آرمانشهر یونانی زاییده تعقل فلسفی و آرمان شهر ایرانی نتیجه درک راز آلود جهان بوده است. (رضایی راد، ۱۳۷۸)

با هر دیدگاه و پشتوانه فلسفی که موضوع آرمان شهرها مورد توجه قرار گیرد، آنچه نقطه مشترک تمامی تعاریف و دیدگاههاست، دستیابی به کمال، سعادت و رضایت افراد شهر از مدینه فاضله و برآورده شدن نیازهای آنان در سایه نظام حاکم بر این شهر آرمانی است و می‌توان گفت یکی از مهمترین ممیزات شهر آرمانی از غیر از آن، کیفیت زندگی و میزان رضایت ساکنان از مجموعه عواملی است که زندگی شهری آنان را رقم می‌زند. لذا یکی از مواردی که می‌بایست در مقایسه تطبیقی شهرهای ایجاد شده در مکاتب گوناگون مورد بررسی قرار گیرد، مفهوم کیفیت زندگی و معیارهای سنجش آن است.



متحده نوشته شده است. در دهه ۱۹۶۰ هنگامی که جامعه شناسان علیه چیرگی شاخص‌های اقتصادی واکنش نشان دادند، مفهوم کیفیت زندگی در پژوهش‌های اجتماعی اهمیت یافت اما آن هنگام تمام شاخص‌های کیفیت زندگی، عینی بودند. دیوید اسمیت اولین جغرافیادانی بود که بحث کیفیت زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی در جغرافیا را مطرح کرد (اسمیت، ۱۶۰، ۱۳۸۱) و امروزه نظریات جغرافیادانی نظیر اسمیت و هاروید در این زمینه اهمیت زیادی یافته است. در دهه ۱۹۷۰ شاخص‌های ذهنی هم برای سنجش کیفیت زندگی اضافه شدند، اولین بار کمپل و همکاران در اثر خود در سال ۱۹۷۶ به شاخص‌های ذهنی و روان‌شناختی کیفیت زندگی در سطح ملی و بین‌المللی می‌پردازند. در ایالات متحده آمریکا از دهه ۱۹۶۰ انستیتو تحقیقات اجتماعی در میشیگان و مرکز نظرسنجی شیکاگو کیفیت زندگی را می‌سنجد و از سال ۱۹۹۵ با تأسیس انجمن بین‌المللی پژوهش‌های کیفیت زندگی، سنجش این مفهوم به خوبی نهادینه شده است. (فیلپس، ۲۰۰۶). این مفهوم که در ابتدا به رعایت حداقل استاندارد‌های ممکن در زندگی معطوف بود با گذشت زمان، پیشرفت تکنولوژی، بالا رفتن معلومات و تحصیلات اجتماعی و نیز پیشرفت مباحث مربوط به اصالت فرد و بالا رفتن سطح توقعات فردی و اجتماعی، شامل دایره تمامی تمایلات بشر برای داشتن حداکثر آسایش در زندگی گردید. (امینی، ۱۳۸۵: ۳). در ایران مفهوم کیفیت زندگی برای اولین بار در برنامه پنجم قبل از انقلاب اسلامی در متن برنامه وارد شده و در برنامه چهارم بعد از انقلاب در قالب ابعاد نیازهای محیطی، نیازهای حمایتی و نیازهای اساسی با ۹ شاخص هزینه زندگی، فراغت و فرهنگ، ریسک و امنیت، زیرساخت‌ها، سلامت، آزادی، محیط زیست، اقتصاد و آب و هوا مطرح گردید. (غفاری-امیدی، ۱۳۸۷)

همانطور که دیده می‌شود کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی است که تحت تاثیر مولفه‌هایی چون زمان و مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار داشته و از این رو معانی گوناگونی توسط افراد و گروه‌های مختلف بر آن مترتب است.

◆ کیفیت زندگی:

تاریخچه پیدایش مفهوم کیفیت زندگی به دوران ارسطو بر می‌گردد. در آن دوران ارسطو "زندگی خوب" با "خوب انجام دادن کارها" را به معنی شاد بودن در نظر گرفته است. (fayers, 2000) واژه کیفیت زندگی نیز نخستین بار توسط Pigou در سال ۱۹۲۰ در کتاب «اقتصاد و رفاه» مورد استفاده قرار گرفت. او در این کتاب در مورد حمایت دولتی از اқشار پائین دست و تاثیر آن بر زندگی آنها و سرمایه‌های ملی به بحث پرداخت (fayers, 2000). این مطلب تا بعد از جنگ جهانی دوم مسکوت مانده، با تعریف جدید سلامت توسط سازمان بهداشت جهانی مجدداً مورد توجه قرار گرفت. مطابق این رویکرد تعریف سلامت مولفه‌های جسمی، روانی و اجتماعی را دربر می‌گرفت که هر یک نیازمند تعریف دقیق و تدوین معیارهای سنجش خاص می‌باشد. وجود نابرابری‌های گسترده اجتماعی در جوامع غربی و سایر کشورها به دنبال پیامدهای جنگ جهانی و به موازات آن پیشرفت در زمینه علوم انسانی و تجربی، باعث شد تا عوامل سنجش رضایت ساکنان از محیط زندگی با دیدگاهی عمیق‌تر مورد توجه قرار گرفته و نهایتاً کیفیت زندگی به عنوان یکی از معیارهای اساسی در ارزیابی میزان سلامت جامعه مورد توجه قرار گیرد، چنانچه تعریف سازمان بهداشت جهانی از سلامت نیز بر این نکته تاکید دارد.

تحقیقات مرتبط با کیفیت زندگی در ابتدای محدود به مطالعات در حوزه بیماری‌های روانی مزمین بود و از آن به عنوان شاخصی در جهت ارزیابی سلامت روانی استفاده می‌شد، اما در طی سه دهه اخیر مفهوم کیفیت زندگی از مفهوم روانشناختی صرف به یک مفهوم چند بعدی که ابعاد محیطی، اجتماعی، اقتصادی، روانی و زیستی را در بر می‌گرفت، تغییر شکل داد. گرچه مفهوم کیفیت زندگی از اواخر قرن بیستم مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است، اما ریشه‌های آن در جامعه‌شناسی را می‌توان تا اواسط قرن بیستم پی گرفت. در جامعه‌شناسی اولین اثر مهم درباره کیفیت زندگی از آگبرن (۱۹۴۶) می‌باشد که درباره حیات روستایی در ایالات



تعریف می‌شود، «فضای فیزیکی» (طبیعی) که بر مبنای فعالیت عملی-حسی و ادراک طبیعت شناخته می‌شود و «فضای اجتماعی» یک تولید اجتماعی است و بیانگر نوع استفاده از فضا است. (Lefebvre 1991: 26-27).

در حوزه‌ی شهرسازی، کنش‌های هرروزه‌ی شهروندان و فعالیت‌های اجتماعی آنان در فضاهای شهری اهمیت زیادی دارد. یان گل است. در یک تقسیم بندی فعالیت‌های هرروزه‌ی انسان‌ها در فضای شهری به «فعالیت‌های ضروری»، «فعالیت‌های انتخابی» و «فعالیت‌های اجتماعی» تقسیم می‌شود. (گل، ۱۳۷۸)

فعالیت‌های ضروری آن‌هایی هستند که حالتی کمابیش اجباری دارند-رفتن به مدرسه یا سرکار، خرید، ... به بیان دیگر فعالیت‌هایی که به درجات مختلف ناگزیر به شرکت جستن در آن‌ها هستیم» (گل، ۱۳۸۷: ۳). این فعالیت‌ها کمترین تاثیر پذیری را از محیط پیرامون خود دارند. اما فعالیت‌های انتخابی زمانی صورت می‌پذیرند که تمایل به انجام آن‌ها وجود داشته باشد و زمان و مکان نیز فراهم آور زمینه‌ای مساعد باشند مانند پیاده روی، نشستن در پارک برای استفاده از هوای تازه، ... این فعالیت‌ها تنها در صورت مطلوب بودن شرایط فیزیکی محیط رخ می‌دهند و اما فعالیت‌های اجتماعی که عمده بحث ما بر آن متمرکز است، در بردارنده‌ی فعالیت‌هایی است که بیش از هر چیز وابسته به حضور مردم در فضای عمومی است. هنگامی که فضای شهر از کیفیت خوبی برخوردار نباشد، صرفاً فعالیت‌ها ضروری انجام می‌شود و مردم به سرعت به خانه‌هایشان باز می‌گشته و در واقع در چنین شرایطی مردم ماندن در فضای شهری را انتخاب نکرده، در این حالت روابط معنی دار بین ساکنان شهر به صفر نزدیک خواهد شد حال آنکه یکی از مهمترین ابزارها در برقراری چنین ارتباطاتی کیفیت زندگی شهری در کنار تنوع و جذابیت عملکردهای آن است.

مطلب دیگری که اهمیت این حوزه را دوچندان می‌کند، تاثیری است که نحوه ساخت و کیفیت شهر بر زندگی کارکردهای ساکنانش دارد.

برخی آن را به عنوان قابلیت زیست پذیری، رفاه عمومی و یا بهزیستی اجتماعی تعبیر کرده اند اهداف تعیین شده و اهداف بدست آمده را معادل کیفیت بالای زندگی می‌دانند. با وجود اختلاف نظرهایی که در تعریف کیفیت زندگی بین متفکران وادیهای مختلف وجود دارد، می‌توان گفت کیفیت زندگی میزان واقعی رفاه تجربه شده به وسیله افراد و گروه‌ها تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی است که از دو منبع ضمیر فرد (ego) و خود شی (object) نشات می‌گیرد که به ترتیب ارزش (value) و مقیاس اندازه گیری (measure) نامیده شده و بیانگر دو گروه کیفیت های مطلوبیتی و کیفیت‌های ظرفیتی هستند. نکته حائز اهمیت این است که با وجود اختلاف نظر در پذیرش هر کدام از تعاریف، تمامی متفکران در این نقطه اشتراک نظر دارند که غایی ترین هدف در توسعه و مدیریت شهری، ارتقا کیفیت زندگی شهروندان در فضای شهری است. (گلکار، ۱۳۷۹: ۳۸-۶۵)

◆ زندگی در فضای شهری

شهر مفهومی است که می‌توان از زوایای گوناگون هم چون اقتصاد، فرهنگ، قدرت، زمان، خشونت، بیان، نشانه‌شناسی، فضا و ... به آن نگریست. ظهور هر فضایی در یک جامعه توأم است با کارکردهای چندگانه‌ی مثبت و منفی. برای مثال از نظر ارسطو، فضا مجموعه‌ای از مکان‌هاست و زمینه‌ای است پویا با اعراض کیفی متفاوت. این اعراض و آن زمینه، فضا را با اصالت عمل تنظیم کرده و اسلوب می‌بخشند. (نوربرگ شولتز، ۱۳۵۴: ۸۰) فضای شهری چیزی نیست جز فضای زندگی روزمره‌ی شهروندان که هرروز به صورت آگاهانه یا نا آگاهانه در طول راه، از منزل تا محل کار ادراک می‌شود. (پاکزاد، ۱۳۷۶: ۳۲) ابعاد اجتماعی و فیزیکی شهر رابطه‌ی پویا با یکدیگر دارند. در واقع فضای شهری مشتمل دو فضای اجتماعی و فیزیکی می‌شود. (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۴۸) اشاره‌ای گذرا به مفهوم فضا و انواع آن می‌تواند در توصیف کیفیت فضای شهری موثر واقع شود.

بطور کلی ۳ تعریف مجزا برای کلیت فضا قابل دسته بندی است: «فضای ذهنی» که توسط فلاسفه و ریاضی دانان



بود تا بتوان معیار سنجش مناسبی برای تعیین کیفیت شهر و در قدمهای بعدی اصلاح آن در دست داشت.

◆ شاخص‌های کیفیت زندگی

متفکران و صاحب‌نظران در حوزه‌های گوناگون مرتبط با بحث شهرسازی و نیز ارتباطات اجتماعی ساکنان شهر در تحقیقات انجام شده، معیارها و شاخصهایی را برای سنجش میزان کیفیت زندگی شهری از دیدگاه ساکنان شهر تدوین کرده‌اند که ذیلاً پاره‌ای از این شاخصها مورد اشاره قرار می‌گیرد. برای تهیه این جدول مطالعات گسترده‌ای روی منابع تحقیقی تعیین کیفیات فضای شهری انجام شده که فهرست کامل منابع در انتهای مقاله قابل مشاهده می‌باشد. همانطور که در بحث علت‌های چهارگانه توضیح داده شد برای امکان مقایسه بین این شاخصها و ویژگیهای شهر اسلامی تفکیک شاخصها در چهار بخش صورت گرفته است که نتایج آن در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول ۱. شاخصهای تعیین کیفیت فضای شهری از دیدگاه متفکران معاصر

محقق	مادی	صوری	غایی	فاعلی
Dickson et al 1972	مسکن	-	خانواده، جرم، سلامتی، فقر / رفاه	-
Flax 1973	حمل و نقل، مسکن	-	بی‌کاری، فقر، درآمد، سلامتی، سلامتی روان، نظم اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت شهروندی، پیشرفت تحصیلی، پاکیزگی هوا	برابری نژادی
Smith 1973	محیط زندگی	-	درآمد و ثروت، کار، سلامتی، تحصیلات، نظم اجتماعی، سرمایه اجتماعی یا وابستگی اجتماعی	-
Palys 1973	مسکن، حمل و نقل	-	فقر، رفاه، هزینه، آلودگی هوا	-
Bederman 1974	کیفیت مسکن، تراکم	-	سلامتی، نظم اجتماعی	-
Kuz 1978	مسکن	-	آموزش، درآمد، شغل، سلامتی، فراغت، امنیت اجتماعی، سازمان اجتماعی	-
Shulman and bond 1978	توسعه فیزیکی	-	توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی	-
Shulman et al 1980	اطلاعات زمینه‌ای، توسعه فیزیکی	-	توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی	-
Boyer and savageau 1981	حمل و نقل، اقلیم	هنر	اقتصاد، جرم، سلامتی، آموزش، رفاه	-

در واقع این پرسش که "ما چه گونه شهری می‌خواهیم بسازیم" بدین معناست که "ما چگونه مردمی می‌خواهیم باشیم" (Harvey 2012). هاروی در مقاله «حق شهر» خود جملانی را از رابرت پارک در این راستا نقل می‌کند: «شهر موفق‌ترین تلاش انسان برای شکل دادن به جهانی که در آن زندگی می‌کند مطابق میل خود است. اما اگر شهر جهانی باشد که انسان خلق کرده در عین حال جهانی است که انسان محکوم است از این پس در آن زندگی کند. بنابراین انسان بدون داشتن درک درست از ماهیت کاری که انجام داده، با ساختن شهر خود را نیز باز آفرینی کرده است»

با در نظر داشتن این موضوع که کیفیت بعدی از فضاست که توسط شهروندان و ساکنان آن به وسیله شاخص‌های عینی و ذهنی دریافت می‌شود و نیز اینکه رضایت شهروندان عاملی ذهنی است که می‌تواند منتج از این کیفیت باشد، می‌بایست به دنبال شناسایی شاخصهای کیفیت زندگی شهری



-	جرم، درآمد، سرگرمی	ابعاد ادراکی	اقلیم، مسکن، جمعیت	Cutter 1985
-	استحکام خانواده	-	سرانه فضای سبز، امکانات تفریحی و دارویی، کیفیت جاده‌ها، جمعیت	Peat Marwick consulting group 1988
-	اقتصاد، همسازی اجتماعی جرم / امنیت، سیاست‌های شهری، فشار روانی، دلبستگی شهری	-	امکانات تفریحی و فرهنگی، مسکن حمل و نقل، زیر ساخت‌ها، محیط کالبدی	Reid 1991
-	سواد، نرخ مرگ و میر، امید به زندگی	-	-	Slotlje 1991
-	شغل، سلامتی، آموزش، سرگرمی، جرم و امنیت، رفاه اجتماعی	-	مسکن، کاربری زمین، حمل و نقل، محیط طبیعی	Murdie et al 1992
معنویت	روابط اجتماعی، روانشناختی، سطح استقلال	-	مادی-محیطی	WHOQOL 1993
-	اقتصاد، سلامت جامعه، آموزش، امنیت	-	محیط، مسکن، حمل و نقل	City of Toronto 1993
تناسبات فرهنگی	اشتغال، خشنودی اجتماعی، یکپارچگی اجتماعی	-	-	CMHC 1993
فرهنگ	جرم، هوای پاک، هزینه زندگی، دسترسی به آموزش	-	فضای سبز، مسکن، مدارس عمومی، کتابخانه‌های عمومی، اقلیم، حمل و نقل، بیمارستان، باشگاه ورزشی	Callaghan 1994
-	درآمد، بیکاری، امنیت، جرم، مهاجرت	-	حمل و نقل، مسکن، طراحی شهری، محیط فیزیکی، خدمات عمومی	Crayson and young 1994
-	امنیت، پایداری اقتصادی، کار، روابط خانوادگی	-	-	ERG 1995
-	درآمد، تحصیلات، جرم، امنیت، اقتصاد	-	محیط زیست، شهرسازی، کاربری زمین، حمل و نقل، منابع انرژی	Dilks 1996
معنویت	روانی، اجتماعی، اجتماع محلی، سودمندی، فراغت و رشد	-	محیط مادی	Rafael et at 1996
تفاوت های فرهنگی	سلامتی، جرم، امنیت، تحصیلات، استاندارد زندگی، ارتباطات اجتماعی	-	محیط، مسکن	Rogerson ۱۹۹۹
برابری	آموزش، جامعه، اقتصاد، سلامت، پایداری، حکومت	-	محیط زیست	Hancock 1999
-	سبک زندگی، سازگاری	-	کیفیت محیط	Florida 2000
-	بهبودی مادی، بهبودی جسمی، شمول اجتماعی، حقوق روابط بین فردی، پیشرفت فردی خودمختاری	-	-	شالاک (Schallock, 2000)



عدالت	بهبودی فردی، آزادی، تضمین شرایط زندگی برای نسل حال و آینده			LAND 2000
-	سلامت، بهبودی مادی، احساس تعلق به اجتماع، بهبودی احساسی، کار و فعالیت مولد، روابط با خانواده و دوستان، امنیت فردی	-	-	هاگرتی و همکاران (Hagerty et al., 2001)
فرهنگ	آموزش، همبستگی اجتماعی، امنیت، استطاعت تهیه مسکن، سرگرمی، سبک زندگی	کیفیت محیطی	خدمات عمومی، حمل و نقل عمومی	Donald 2001
-	اقتصاد، آموزش، قانون و نظم، فراغت	-	مسکن، محیط، بهداشت، حمل و نقل	ASIAWEEK 2002
-	جرم و جنایت، آموزش، حضور زنان در جامعه، مراقبت از کودکان، نرخ طلاق، دسترسی به شغل، فرصت‌های شغلی	-	زمان جابجایی، موقعیت آب و هوایی	Langway 2002
قانون و برابری	سلامت، کار، خانواده		محیط زندگی	RIVM 2002
-	سلامتی، تحصیلات، نفوس، دموکراسی، همبستگی اجتماعی، امنیت، اقتصاد، شغل	-	مسکن، محیط شهری	QLNZ 2003
-	مادی، احساسی، روانی، اجتماعی، رفتاری	-	-	Janse, 2004)
-	درآمد و اشتغال، آموزش و پرورش، رفاه، خوشبختی، رضایت از زندگی	-	مسکن	براون و همکاران 2004
معنویت	ابعاد روانی، آزادی اجتماعی		فیزیکی و محیطی	WHO 2004
-	ارتباط خانوادگی، رضایتمندی، سلامتی، شغل و تولیدات، امنیت	-	کیفیت محیط	Rahman et al 2003
-	زندگی اجتماعی	-	مسکن، همسایگی، کیفیت خدمات عمومی، واحدهای همسایگی، دسترسی به خدمات	CMHC 2004
فرهنگ	محیط اجتماعی، سرگرمی، محیط اقتصادی، رسیدگی دارویی، تحصیلات	-	محیط طبیعی، خدمات عمومی، حمل و نقل عمومی، مسکن	WQLS 2004
-	رفاه اقتصادی، رفاه اجتماعی، بهبودی ذهنی/ روانی	-	رفاه فیزیکی/ محیطی	2005: Rettig and Leichtentritt
-	هزینه مسکن، دسترسی ذهنی، تراکم ذهنی	-	دسترسی، تراکم مسکونی	Mccrea et al 2006
-	شرایط اجتماعی، شرایط اقتصادی	-	شرایط محیط زیست	Santos 2007
فرهنگ	استانداردهای زندگی، تولید اقتصادی، اشتغال قیمت‌ها، قانون، سلامت، سرگرمی، اوقات فراغت	هنر	امکانات زیر بنایی	Dain & peter 2006



-	سلامتی، شغل، فقر، موقعیت اقتصادی، مهاجرت، امنیت و اعتماد، جمعیت	-	مسکن، تغییر اقلیم، زیر ساخت‌های شهری	Quality of life in 75 European cities 2010
-	سلامتی، تحصیلات، امنیت شخصی و اقتصادی، فعالیت شخصی، ارتباطات اجتماعی، سیاست	-	محیط	Quality of life and sustainability-German council 2010
-	شرایط زندگی، تحصیلات، اقتصاد، سلامتی، شرایط کاری، ارتباطات اجتماعی	-	-	Objective indicators of QOL 2010
-	سلامتی، تعادل کار و زندگی، تحصیلات و مهارت، ارتباطات جمعی، دولت، امنیت شخصی، خوشنودی	-	کیفیت محیط	Compendium of OECD well-being 2011
فرهنگ، برابری اجتماعی	درآمد، بیکاری، آموزش، اوقات فراغت، امنیت، آزادی فکر، موقعیت اجتماعی، شغل، خانواده، اجتماع، آموزش، جرم، محیط اجتماعی، محیط اقتصادی، آمارگیری نفوس، فراغت، آموزش، سلامتی، ترافیک و حمل و نقل عمومی، حکومت	-	محیط طبیعی، محیط ساخته شده، فضاها و ساختمانهای عمومی، کیفیت محیط شهری، امکانات بهداشتی، امکانات تفریحی، فضای سبز، ترافیک و حمل و نقل عمومی	Regional Science Association 51st European Congress Barcelona, Defining the quality of urban life: Which factors should be considered? 2011-2010
فرهنگ	محیط اقتصادی، هزینه زندگی، تجارت، سلامتی	-	خدمات، حمل و نقل عمومی، مدارس، مدارس بین‌المللی	Report prepared for the city of London cooperation 2012
فرهنگ	سلامتی، دولت، تحصیلات، اقتصاد، امنیت عمومی	هنر	مسکن و واحد همسایگی، محیط، حمل و نقل	Quality of life survey-pittsburgh 2012
-	استاندارد زندگی، سلامتی، ارتباطات، امنیت، احساس تعلق به اجتماع، امنیت، اقتصاد، دولت، تجارت، موقعیت اجتماعی	-	محیط زیست	Australian unity well-being index 2013
-	سلامتی، تحصیلات	-	مسکن، محیط شهری، محیط فیزیکی	The halfix rural areas quality of life survey 2013
-	مراقبت از کودکان، تحصیلات، جرم، رضایت از زندگی، فعالیت‌های فیزیکی، شادمانی، مشارکت و فعالیت‌های داوطلبانه، میزان استخدام، تجارت، نابرابری درآمد، فقر کودکان، ارزش افزوده ناخالص، استطاعت مسکن، فقر غذایی، مهارت‌ها، نوآوری، حق رای	-	کیفیت هوا، میزان انتشار گاز CO2، نحوه طی کردن مسیر مدرسه، حجم ترافیک، دسترسی به طبیعت، جمعیت پرندگان، اکولوژی، بازیافت خانگی، فاضلاب، میزان ضایعات، مسکن مناسب حوادث طبیعی	Londons quality of life indicators January 2013

برای اینکه امکان مقایسه تطبیقی بین این اصول و اصول شهرسازی اسلامی فراهم گردد می‌بایست موارد ذکر شده را در چهار گروه علل دسته بندی کرد و فراوانی هر پروه را تعیین نمود که جدول زیر دسته بندی این عوامل را نشان می‌دهد:

فراوانی نسبی	شاخصها	فراوانی نسبی	شاخصها
علت مادی			
۰,۰۱۴۳	اقلیم	۰,۰۹۷۴	مسکن
۰,۰۰۸۵	جمعیت/تراکم	۰,۰۴۸۷	حمل و نقل
۰,۰۱۱۴	سرانه فضای سبز	۰,۰۵۷۳	محیط زندگی/محیط طبیعی/محیط زیست
۰,۰۳۴۳	زیر ساخت ها و خدمات عمومی	۰,۰۴۵۸	کیفیت طراحی شهری و شهرسازی، محیط کالبدی/توسعه فیزیکی
۰,۰۰۸۵	پایداری/منابع و انرژی/آینده نگری	۰,۰۰۵۷	کاربری زمین
علت صوری			
۰,۰۰۲۸	کیفیت محیطی	۰,۰۰۲۸	ابعاد ادراکی
		۰,۰۰۸۵	هنر
علت غایی			
۰,۰۵۷۳	توسعه اقتصادی/اقتصاد	۰,۰۳۴۳	خانواده/استحکام خانواده
۰,۰۱۴۳	سیاست های شهری/حکومت	۰,۰۳۴۳	جرم
۰,۰۲۸۶	درآمد/هزینه	۰,۰۷۱۶	ابعاد سلامتی و بهداشت
۰,۰۱۷۱	نظم اجتماعی	۰,۰۵۱۵	شغل/بیکاری
۰,۰۱۴۳	همبستگی اجتماعی	۰,۰۱۷۱	فقر/ثروت
۰,۰۴۰۱	روابط اجتماعی	۰,۰۰۵۷	مهاجرت
۰,۰۰۸۵	مشارکت شهروندی/حق رای	۰,۰۰۸۵	روابط همسایگی
۰,۰۷۱۶	تحصیلات/آموزش	۰,۰۲۲۹	رفاه
۰,۰۰۸۵	احساس تعلق به اجتماع	۰,۰۲۰۰	فراغت/سرگرمی/امکانات تفریحی
۰,۰۰۵۷	توسعه اجتماعی	۰,۰۵۷۳	ابعاد امنیت
علت فاعلی			
۰,۰۰۸۵	معنویت	۰,۰۱۴۳	برابری و عدالت
۰,۰۲۵۷	فرهنگ	۰,۰۱۷۱	آزادی

جدول ۲. فراوانی نسبی شاخصهای تعیین کیفیت فضای شهری در قالب علت‌های چهارگانه

پس از شناخت مولفه ها و شاخصهای کیفیت زندگی شهری حال می‌بایست این شاخصها را با مولفه های تاثیرگذار در طراحی و حیات شهرهای اسلامی مورد مقایسه قرار داد که در این راستا ابتدا خلاصه ای از ویژگیهای شهر اسلامی مورد اشاره قرار خواهد گرفت و سپس مقایسه تطبیقی بین شاخصهای کیفیت زندگی و اصول استخراج شده از تعالیم دینی در خصوص شهر اسلامی با محوریت علل چهارگانه صورت خواهد گرفت.



◆ شهر اسلامی

در تعریف شهر اسلامی باید به این نکته توجه داشت که شهر اسلامی صرفاً نه شهری است که به دست مسلمانان ساخته شود و نه شهری است که مسلمانان در آن سکنی گزینند بلکه شهر اسلامی معنایی عمیق‌تر و گسترده‌تر دارد چرا که در تفکر اسلامی اهداف و غایت حیات، موضوعی تعریف شده و مشخص بوده و عوامل مادی صرف به ویژه آن‌گاه که خود به عنوان هدف و مقصد اصلی مطرح می‌شوند، به مثابه عوامل جدی در غفلت انسان ایفای نقش می‌نمایند. به بیان دیگر محیط شکل گرفته بر مبنای تعالیم اسلام بر خلاف آن‌چه که در شهرهای معاصر روی می‌دهد، مکان‌هایی انسان از غفلت و فضای توجه او به آگاهی است. (امین زاده_نقی زاده، ۱۳۸۱: ۲۶) شهر اسلامی شهری منبعث از اعتقادات و جهان بینی و فرهنگ اسلامی است که بشر در آن به خواسته‌ها و باورهای خویش تجلی کالبدی بخشیده و جملگی ذرات عالم هستی به پیروی از اصول منبعث از صفات و افعال الهی به راهی که باید می‌روند.

از دیر باز بسیاری از متفکرین بزرگی چون فارابی، ابن خلدون، اخوان الصفا، صدر المتالیهین، سهروردی، ابن رشد، خواجه نصیر الدین طوسی، نظامی گنجوی و... در پی شناسایی و ایجاد مختصات محیطی برای زندگی بشر بودند که مسیر رسیدن به کمال و اهداف حیات انسان را محقق سازد. در اسلام این مسیر در قالب جهان بینی و اهداف حیات انسان، گاه به طور عام و به صورت دستورالعمل‌هایی برای زندگی و چگونگی تنظیم روابط اجتماعی، ارتباط انسان با طبیعت و با ساخته‌هایشان تعریف شده است.

در اندیشه تفکر اسلامی نخستین بار واژه آرمانشهر توسط حکیم ابونصر فارابی با عنوان مدینه فاضله به کار گرفته شد. مدینه فاضله فارابی ساختاری عادلانه و حکیمانه دارد که توسط حکیم اداره می‌شود و رییس مدینه مرکز ثقل توجه فارابی است، به گونه‌ای که اهل شهر را به اعضای بدن و رییس شهر یا همان حکیم و فیلسوف را به منزله قلب این بدن می‌داند. در تفکر فارابی نظام عالم بر عدالت و حکمت

استوار است. در واقع اساس و زیر بنای مدینه فاضله فارابی پرداختن به امور معنوی، عدالت خواهی و پرهیز از بدی‌ها و ظلم است. از دیدگاه عرفا نیز در آرمانشهر اسلامی خلیفه خدا یعنی انسان‌های کامل حکومت می‌کنند، انسان‌هایی که در سایه تقرب خدا مظاهر اسماء الهی گشته‌اند و چون مظاهر اسم جامع حق هستند نه تنها حاکمیت عدل بر نفوس خویش دارند، بلکه حاکمیت عدل بر سایر مظاهر اسما الهی یعنی همه ماسوی الله از جمله انسان و جوامع را نیز دارا می‌باشند. (مشکات، ۱۳۸۷: ۴۰۳)

به طور خلاصه می‌توان گفت آرمانشهر مورد نظر اسلام باید شهر هدایت انسان سمت نیکی‌ها، عدالت و راستی باشد و بنا بر این باید زمینه و فضای تذکر و هدایت را فراهم آورده و به عوامل تباهی انسان اجازه بروز ندهد. (امین زاده_نقی زاده، ۱۳۸۱: ۲۶) آرمانشهر اسلامی مبتنی بر تفکر دینی و توحیدی است که با تکیه بر توحید و صفات و افعال الهی یگانگی و تعادل و هماهنگی را از نظم مخلوق به نظام مصنوع می‌آورد و تکثر و جهان ناسوت را به وحدت جهان معنوی و فضای ملکوتی تبدیل می‌کند و روح معنا را در فضاهای شهری متجلی می‌نماید. اندیشه آرمانشهر اسلامی به سبب رویکردهای خاص توحید نگر و ویژگیهای خاص خود در پی ترسیم رابطه صحیح انسان با خدا، انسان با طبیعت، انسان با خود و انسان با انسان، در پی تنظیم حیات مادی و معنوی شهر است. آرمانشهر اسلامی شهر عدالت، تعاون طهارت، نظم، سلسله مراتب، تذکر، اصلاح، شکر، شهر امن و شهر تحقق شان واقعی انسان به عنوان خلیفه الهی است.

همانگونه که در آیه ۲۵ و ۲۶ سوره واقعه آورده شده "در آن جا هیچ حرف لغو و بیهوده‌ای شنیده نمی‌شود و به یکدیگر گناهی نمی‌بندند و جز سلام و تهیبت و سپاس هم نمی‌گویند." و نهایتاً حاکمیت نهایی صالحان بر زمین که وعده الهی است، تحقق جامعه امن و محیطی آرامبخش را برای زندگی نوید می‌دهد که دینداری آزادانه، رضایت‌مندانه و امنیت را برای شهروندان به ارمغان خواهد آورد. (عماد_سنایی راد، ۱۳۷۸)



طراحی شهری استخراج کرد. به عنوان مثال توجه و تاکید بر برپایی نماز های جماعت حکم صریحی است که می توان بر مبنای آن حوزه های کالبدی لازم برای برگزاری های نماز های یومیه به صورت جماعت در کالبد فضاهای شهری چون مساجد، مصلی ها و... را استنتاج کرد که نمونه بارز آن ایجاد مساجد در قلب شهر های اسلامی است که با برقراری امکان دسترسی راحت تمامی شهروندان، به عنوان تدبیری در جهت تسهیل انجام فرمان خدا در شهر اسلامی در نظر گرفته شده است. نما و حجم یکدست دانه های مسکونی و عدم بکارگیری تزیینات و تجمل در بناها گونه ای از حس وحدت و هماهنگی را در بیننده القا می کند. در این بافت یکدست، کاربرد پهای خاصی چون مسجد، مدرسه،... با مقیاسی بزرگتر، ارتفاعی بالاتر و تزیینات شاخص تر نقطه عطفی در وحدت کالبدی بناهای شهری محسوب می شود که به نوعی نشانگر اهمیت این مکان و کارکرد متفاوت آن نسبت به کاربری غالب مسکونی در شهر اسلامی است. آنچه پایه فکری و اعتقادی این پیوستگی فضایی است، توزیع مناسب و درست کاربری هاست که از طریق سازمان یافتگی بناها و نیز تعاون امت اسلامی تجلی می یابد چنانکه فارابی نیز دستیابی به سعادت را که هدف غایی تشکیل شهر ها است، از همین راه میسر می داند. پیوستگی و نزدیکی بافت مسکونی به مساجد، بازار و مدرسه ضمن شاخص بودن این کاربری ها نمادی از مفهوم وحدت در کثرت در معماری و شهر سازی است که با دیدی حکیمانه علت های چهارگانه فاعلی، مادی، صوری و غایی را همراستا و همگام در نظر گرفته، مورد توجه قرار می دهد.

دیدگاه متفکران معاصر در خصوص شهر اسلامی:

از متفکران وادی شهرسازی اسلامی می توان به دکتر نقی زاده و هشام مرتضی اشاره کرد که ذیلا خلاصه ای از نظرات آنان در خصوص شهر اسلامی ذیلا مورد اشاره قرار می گیرد:

◆ دکتر نقی زاده:

او در این زمینه عقیده دارد در اصطلاحاتی همچون شهر اسلامی، شهرسازی اسلامی، شهر مسلمانان، شهر جوامع اسلامی، شهر دوره اسلامی معنا و مفهوم واحدی وجود ندارد

با الهام از مفهوم آرمانشهر اسلامی و نیز با نیم نگاهی به وضعیت موجود برای رسیدن به مفهوم مشترکی از شهر اسلامی، می بایست مولفه های دخیل در اسلامی شدن شهر را بر اساس دیدگاه حکیمانه ای که مجموعه این مولفه ها را به مثابه کلیتی در جهت رسیدن به وحدت و سعادت بشر می بیند، مورد بررسی قرار داد. گرچه نمی توان در این خصوص دسته بندی صددرصد ثابت و غیر قابل تغییری ارائه داد، با اینحال ویژگی ها و خصوصیات وجود دارد که می توان گفت مورد پذیرش و اقبال اکثریت متفکرین در این حوزه می باشند. از مهمترین ویژگی های شهر اسلامی همسازی و همناواری اجزا و ساکنان آن می باشد به طوری که در آن، شهر با انسان، طبیعت و شرایط اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی سازگاری و همخوانی دارد. اما آنچه باعث تمایز شهر اسلامی از سایر شهرسازی های مشابه می شود غایت و هدف کلی است که در پس مظاهر کالبدی و عینی وجود دارد چراکه همانگونه که ذکر شد مطابق تعالیم دینی، هدف نهایی کمال و اعتلای انسان است که جز در سایه توجه به خدا روی نخواهد داد و لذا در شهرسازی اسلامی تمام مولفه ها می بایست عامل تذکر بوده و در جهت تعالی انسان به کار گرفته شوند. لحاظ کردن مولفه هایی مانند نظم، قانون و تعادل زمینه آسایش روحی و روانی انسان فراهم شده و در کنار احترام به طبیعت و تلاش در جهت حفظ چرخه های آن، گونه ای تعادل پایدار در ساختار شهر اسلامی قابل مشاهده است. محور نظام دهنده به تصمیمات معمار و شهرساز اسلامی، حوزه فقاقت و آداب اسلامی است. تعیین حدود واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام به نوعی راهبرد و چهارچوب مشخصی برای حرکت انسان فراهم کرده است که به تناسب آن در شهر اسلامی نیز همه چیز باید به گونه ای برنامه ریزی و ساخته شود که زمینه عمل به واجبات و پرهیز از محرّمات را فراهم کرده و نیز در جهت عمل به مستحبات و پرهیز از مکروهات یاری رسان باشد. با این حال تمامی احکام ناشی از فقاقت اسلامی به صراحت قابل تبدیل به کالبد فضای شهری نبوده و برخی از آنها برای امکان بهره گیری نیازمند تفسیر ثانویه می باشند تا بتوان از دل آنها رهنمودهایی برای

به این ترتیب باید اعمال او رنگ و صبغه الهی به خود بگیرد. شهر در جوامع اسلامی: این تعبیر به خصوص در دوران معاصر که شهرسازی دوران اسلامی به مرور استحاله یافته و توسعه متاخر شهرها به سبک و سیمای غربی صورت گرفته و سبک بین‌المللی ظاهر شده است، می‌تواند کاربرد بیشتری داشته باشد. شهرهایی که در بسیاری موارد دارای بافت کهن و تاریخی بوده و مردم آن عموماً با باور به اصول اسلامی، آداب و سنن و سیمای برگرفته از تعالیم اسلامی در آن زندگی می‌کنند. از طرفی توسعه جدید شهرها که بر اساس تفکرات غربی شکل می‌گیرد، غالباً با شیوه زیست و تفکر اسلامی در تقابل بوده و یا تجلی آن را مشکل می‌نمایند و از طرفی بافت‌های تاریخی نیز فاقد ارزش و مطلوبیت بوده و به انحاء مختلف در جهت از بین بردن و اضمحلال آنها اقدام یا رای داده می‌شود. شهر اسلامی مفهومی است که مبانی، ارکان، صفات و اسوه آن از قرآن کریم قابل استنتاج و استخراج بوده و مسلمانان در مناطق و دورانهای مختلف، در متجلی ساختن آن توان متفاوتی دارند و به این ترتیب هر شهر به اندازه‌ای اسلامی است و به الگوی حقیقی و مثالی شهر اصیل و آرمانی نزدیک تر است که بتواند جلوه‌گاه اصول و مبانی و ارزش‌هایی باشد که کلام الهی برای جامعه اسلامی و الهی تعریف نموده است و به همان اندازه اسلامی است که امکان مسلمان بودن، مسلمان زیستن و مسلمان ماندن اهل شهر را برایشان فراهم کند.

مبانی شهر اسلامی: مبانی به آن دسته از موضوعات و یا اصول بنیادی اطلاق می‌شود که در همه موضوعات مربوط به یک جهان بینی صادق، جاری، ساری و مشهود باشد. دکتر نقی زاده ضمن اذعان به تعدد اصول اسلامی در این خصوص به دو اصل بنیادین توحید و عدل اشاره دارد که جهت دهنده و معرف جهان بینی توحیدی اسلامی است و سایر اصول به آنها بر می‌گردد. او ارکان شهر اسلامی را فضای فکری انسان (دردو قالب شهروند و مدیر شهر)، فضای عملی (قوانین، مقررات، شیوه و اخلاق اهل شهر) و فضای عینی (کالبد شهر) برمی‌شمارد. او اصول و ارزش‌های اسلامی را در ۵ گروه قابل دسته بندی می‌داند: صفات فعل

از این رو او لحاظ کردن دسته بندی و تمایز بین این تعاریف را ضروری ذکر کرده و هدف از آنرا جلوگیری از گسترش تفکری می‌داند که تحقق شهر اسلامی را برای زمان حاضر غیر قابل استفاده می‌داند. با توجه به این نکته و ماهیت جاودانگی اسلام نه می‌توان و نه باید الگوی کالبدی ثابت و لایتغیری از شهر اسلامی ارائه داد.

شهر مسلمانان: شهر مسلمانان به شهری اطلاق می‌شود که یک یا مجموعه‌ای از خصوصیات زیر را دارا باشد: در دوره اسلامی ایجاد شده باشد، در دوره اسلامی رشد یافته باشد، توسط مسلمانان بنا شده باشد، در محدوده جغرافیایی کشورهای مسلمان نشین واقع شده باشد و نهایتاً اینکه شهر کم و بیش از تعالیم و اصول و ارزش‌های اسلامی متأثر باشد. **شهر اسلامی:** شهر اسلامی شهری است که همانند تحول ساکنان خویش، در حال تحول بوده و همواره خویش را با نیازهای زمان، مکان و اهل خود و با استناد به مفاهیم، اصول و ارزش‌های اسلامی وفق خواهد داد. به عبارت دیگر شهر اسلامی ماهیتی است بالقوه که می‌تواند در هر زمان و مکان با توجه به فن آوری، مصالح، دانش، هنر و فرهنگ بومی (که با اصول و ارزش‌های اسلامی در تعارض نباشد) تفسیر و تجلی خاص خود را داشته باشد.

شهر سازی اسلامی: شهر سازی اسلامی مشتمل بر مبانی نظری، اصول و ارزش‌هایی است که باید در طراحی، برنامه ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شده و بر روابط انسان با محیط مصنوع و سایر همنوعان خویش حاکم باشد. منابع اصلی اصول حاکم بر اعمال مسلمانان و شهر سازی آنان قرآن کریم و سنت پیامبر می‌باشند که اصول و توصیه‌هایی را در خصوص زندگی انسان قابل ارائه می‌دهند. برخی از این توصیه‌ها و اصول عبارتند از: نقش انسان در زمین، ارتباط اجزا و عناصر جهان هستی، هدف غایی حیات انسان، ارتباط انسان با عالم وجود و جهان بینی او و اما مهم تر اینکه این اصول مستخرج باید با اصول حاکم بر عالم که توسط خداوند بنا نهاده شده هماهنگ یا تفسیری از آنها باشد. علت این امر هم این است که انسان خلیفه الله در زمین و امانت دار اوست و



در مقیاس محله اسلام به گونه ای استثنایی همسایه داری را به مثابه ستون فقرات امت می داند و برای آن مجموعه‌ای از اصول اخلاقی در نظر گرفته است که شامل دو اصل مهم روابط مستحکم همسایگی و حفظ حقوق همسایگان می باشد. پیامبر اکرم در ارتباط با حفظ حقوق همسایگان می فرماید: بدون اجازه همسایه با افزایش ارتفاع ساختمان خود به حریم وی تجاوز نکنید. (مرتضی، ۱۳۸۷: ۵۱) از دیدگاه او اسلام با این مفهوم غربی که شهرسازی بایستی با ارتقا کیفیت زندگی گره خورده باشد منافاتی ندارد بلکه بیان می دارد بر اساس تعالیم اسلام این هدف باید با هدف خلقت بشر در یک راستا قرار داشته باشد. (مرتضی، ۱۳۸۷: ۹۰) اسلام از برنامه ریزان شهری خواسته است با استفاده از آرمانهای اسلامی و فرامین الهی به عنوان اصول عمده راهنما، طرح های خود را در راستای دست یابی به این هدف هماهنگ کنند. به عنوان نمونه: عبادت خداوند به عنوان هدف غایی زندگی الگوی طراحی شهر مدینه اولین پایگاه اسلام را برای پیامبر فراهم نمود ولذا پیامبر در مدینه طراحی شهری را با ساخت یک مسجد در مرکز شهر آغاز نمود. از شیوه طراحی شهر مدینه به دست پیامبر اصول فراوانی را می توان استخراج نمود که این اصول به شرح ذیل می باشد: تقویت کاربرد شریعت، بازتاب مفهوم امت (ساخت محیط های اجتماع محور)، جلوگیری از آسیب به حقوق عمومی (قاعده نه ضرر و نه ضرار) که در راه رسیدن به این اصول نقش قانونگذاران شهرسازی، دانشمندان مذهبی و نقش جامعه را نمی توان نادیده گرفت. (مرتضی، ۱۳۸۷: ۹۲)

اصولی که در بالا گفته شد در نهایت هدفی را دنبال می کنند که همان انعکاس محتوای مفهوم امت در ساخت محیط است که در دو بخش عمده یعنی منطقه بندی شهری (ادغام گروه های اجتماعی - اقتصادی گوناگون) و کاربری زمین شهری مطرح می باشد. (مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۰۷) عدالت اجتماعی و یکپارچگی به عنوان یکی از معانی تعبیر امت اسلام تعیین کننده الگوی کاربری زمین های شهری مسلمانان بوده است. طراحی و کاربری های اصلی زمین در اسلام که

الهی - اصول جهانی و اسلامی - طبیعت - روابط اجتماعی و صفات محیط مصنوع که برخی از این اصول اشاره شده شامل عدل، شان انسان، هویت به ویژه هویت معنوی، زیبایی، پاکی، تذکر، وحدت، اصلاح، شکر، حیا و تواضع می باشند. **◆ هشام مرتضی:**

او اسلام را شیوه ای برای زندگی به همراه آرمانها و ایده آل های اجتماعی می داند. در جوامع اولیه مسلمانها پیگیری این آرمانها در شکل گیری ساخت محیط منعکس گردیده است. وی با تکیه بر قران و سنت که از منابع اصلی قانون اسلام هستند و با استفاده از نمونه هایی از ساخت محیط در صدر اسلام در مناطقی نظیر شمال آفریقا، خاور میانه، اروپا و آسیای مرکزی شرح می دهد که چگونه می توان با دنبال نمودن این ایده آنها و آرمانها شهرهایی ایجاد نمود که توانایی پاسخگویی به متغیر های زیست محیطی و اجتماعی را دارا هستند. او عقیده دارد اسلام روشی برای زندگی با آرمان های والای اجتماعی است و در تحقیقاتش بر دو منبع اصلی شریعت اسلامی یعنی قران و سنت پیامبر متکی بوده و بر پایه آن اصول سنتی مرتبط با محیط فیزیکی مسلمانان را در چهار بخش سلسله مراتبی اجتماعی / مکانی شامل محیط یا بافت طبیعی، محیط یا بافت شهری، محله و خانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. (مرتضی، ۱۵: ۱۳۸۷) بنا بر تعریف هشام مرتضی نظام سیاست، سازمان اجتماع، فرهنگ، نظام اقتصاد و نظام قانون در جامعه اسلامی می بایست با اصول راهبردی کتاب آسمانی قران و همچنین با سنت پیامبر همگام و هماهنگ باشد. این دستورالعمل ها و اصول راهبردی را شریعت می نامند که هدف آن زندگی انسان بر پایه خوبیها (معروفات) و پاکسازی آن از زشتیها (منکرات) می باشد. (مرتضی، ۱۳۸۷: ۲۲) وی از اجتماع با تعبیر امت یاد می کند و بیان می دارد اسلام سنتی است که گرایش آن به سوی جامعه می باشد و به همه مسلمانان دستور می دهد دارای یکپارچگی اجتماعی باشند که این امر نیز در سایه قوانین اسلامی مرتبط با تعامل و عدالت (برادری و برابری) محقق خواهد شد (مرتضی، ۱۳۸۷: ۴۴)



۳۴۱ روایت ۹- بحار ج ۸۰ ص ۳۱ روایت ۱ باب ۵- وسائل الشیعه باب ۱۵ و ۲۱)، استحباب ایجاد فضایی برای عبادت و نماز و ارائه شرایط مناسب در آن (کافی ج ۶، ص ۵۲۶ حدیث ۵)، پرهیز از مزاحمت سواره بر پیاده (پیاده محوری)، پرهیز از مزاحمت متقابل فضاهای عمومی و خصوصی حتی منار مساجد برای خانه‌ها، عرض مناسب معابر، هرگاه در مورد عرض معبر دچار اختلاف شدید آنرا ۷ ذرع در نظر بگیرید (۸)، جاد دوم ص ۲۳۸)، لزوم ساخت سایه بان در نواحی گرم (۸)، جلد اول، ص ۵۸۴) و (۸، جلد اول، ص ۵۸۹)، رعایت جهت مناسب برای سرویسه‌های بهداشتی (۲، جلد اول، ص ۱۰۹)، ترکیب کاربریها در کنار هم (خانه‌های مسکونی، بازارها، مساجد، آموزشی، ...)، مرکزیت فضاهای آموزشی و عبادی در محلات و شهر و تزیینات بیشتر آنها نسبت به خانه‌های مسکونی، پیشگیری از هر نوع مزاحمت همجواری ((وسائل الشیعه جلد ۱۷، باب ۱، ص ۳۷۶، روایت ۱۰- بحار ج ۵۲، ص ۳۳۲، روایت ۶۷، باب ۲۷)، توصیه به وسعت خانه و رعایت حد اعتدال (کافی، ج ۶، ص ۵۲۶، روایت ۷، کافی ج ۶، ص ۵۲۶، حدیث ۵ و بحار ج ۵۹، ص ۱۸۸، روایت ۳۸ باب ۲۳، ارزش‌گذاری برای فضاهای شهری: بهترین محل نشستن مسجد و بدترین جا بازار (نهج الفصاحه، گردآوری مرتضی فرید تنکابنی، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۵، موضوع ۵۴۶، شماره ۷۱، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، اهمیت دادن به انتخاب محل زندگی (تهذیب، جلد ۷، ص ۳۹۹، روایت ۲، باب ۳۴)، خانه به عنوان محل سکونت و امنیت و آرامش (سوره ۱۶، آیه ۸۰)، لزوم عمران و آبادانی (و علیکم بالعمارہ البلاد نهج البلاغه) و انشاکم من الارض و استعمرکم فیها، رعایت حریم و عدم اشراف (وسائل الشیعه باب ۱۲)، ضرورت داشتن مرز و حریم در فضاهای فردی و خانوادگی (وسائل الشیعه باب ۱۲)، لزوم زیبا بودن خانه (بحار ج ۷۳، ص ۱۹۲، ج ۱ باب ۱۳۰، وسائل الشیعه ج ۳ باب ۱، ص ۳۴۱، روایت ۹- سوره اعراف آیه ۳۲- سوره صافات آیه ۶- سوره ق آیه ۶)، اجتناب از اسراف و ساختن عناصر بیهوده و تجمل و خودنمایی و ریا، (بحار ج

طبق منابع شریعت در شهرهای مسلمانان در صدر اسلام پیاده گردیده است، شامل مناطق تجاری (دسترسی ساکنان به مناطق تجاری، مراکز تجاری در مجاورت مساجد، توجه به رعایت حریم خصوصی منازل در مجاورت مراکز تجاری)، مناطق مسکونی (منازل بهم پیوسته، تعیین پهنای کاربردی خیابان‌ها، فضای خارج از واحد مسکونی)، مسجد (تناسب و برابری در توزیع مسجد، دسترسی آسان به مسجد)، مکانهای آموزشی (پراکندگی مناسب مکانهای آموزشی)، مراکز صنعتی دور از مرکز شهر، مسکن یا خانه (حریم خصوصی، حریم خصوصی بصری، دربهای ورودی، پنجره، حریم خصوصی صوتی، آرامش در مقابل آسیب: مفهوم واقعی سکون، عدم آسیب و خسارت به عموم، پرهیز از بهره‌برداری از زمین‌های عمومی جهت منافع شخصی، ایمنی و آرامش، پرهیز از آسیب به همسایگان، فضای عمومی مجاور خانه، تبدیل خانه به مرکزی برای تحکیم همسایگی، تواضع در خانه، پرهیز از خود بینی و اتلاف ثروت، نمای داخلی خانه، نمای بیرونی خانه) می‌باشند. (مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۱۲-۱۷۰)

توصیه‌های استخراج شده از منابع اسلامی در خصوص ویژگیهای معماری و شهرسازی شهر اسلامی:

ذیلا پاره‌ای از توصیه‌های استخراج شده از منابع اسلامی در خصوص ویژگیهای معماری و شهرسازی و نیز مولفه‌های غیر معماری اشاره شده در مورد شهر اسلامی، ارائه شده که مجموعه این موارد و موارد مشابه مطالعه شده در جدول ۳ مطابق با رویکرد علتها دسته بندی شده اند:

رعایت ارتفاع مناسب برای واحدهای مسکونی (بحار ج ۷۶، ص ۱۵۰، روایت ۱۳، بحار ج ۹۲، ص ۲۷۶، روایت ۱۴، کافی ج ۶، ص ۵۲۹، مکارم الاخلاق، ص ۱۲۷، وسائل الشیعه باب ۳)، رعایت استحکام خانه و پرهیز از ویرانی (بحار ج ۷۶، ص ۱۶۲، روایت ۳ باب ۲۱- بحار ج ۴۱ ص ۱۵ روایت ۷ باب ۱۰۱)، ضرورت تعبیه نور کافی و جهت‌گیری اقلیمی مناسب خانه‌ها (وسائل الشیعه باب ۱۹)، اهمیت مهمانداری و لزوم ایجاد فضای مناسب مهمان (وسائل الشیعه ج ۳ باب ۱ ص



جلد دوم، ص ۳۱۱) و (کتاب مشکاة المصابیح، جلد دوم، ص ۳۱۲)، رعایت حقوق مالکیت دیگران (کتاب فقه اهل سنت، جلد دوم، ص ۲۵۰)، احیای زمینهای موات (کتاب فقه اهل سنت، جلد دوم، ص ۲۵۱)، عمران و آبادی شهر و تأسیس ساختمانهای خدمات عمومی (کتاب مشکاة المصابیح، جلد سوم، ص ۵۱۶)، بزرگی خانه (کتاب حلال و حرام، ص ۹۴)، حفظ حریم بصری (کتاب حلال و حرام، ص ۳۰۸)، عدم ضرررسانی به همسایگان (کتاب مشکاة المصابیح، جلد اول، ص ۲۴۹) و (کتاب نظام اسلام: الاقتصاد مبادی و قواعد عامه، ص ۷۸) و (کتابچه راهنمای کاربر حدیث، ص ۳۸۴) و (کتاب جواهر البخاری، ص ۴۶۵)، رعایت حق همسایگان در ساخت و ساز (کتاب مشکاة المصابیح، جلد اول، ص ۳۵۸) و (کتاب مشکاة المصابیح، جلد دوم، ص ۲۳۷)، شفعه (کتاب فقه اهل سنت، جلد سوم، ص ۲۲۱) و (کتاب مشکاة المصابیح، جلد دوم، ص ۲۳۷) و (کتاب فقه اهل سنت، جلد سوم، ص ۲۱۶) و (کتاب فقه اهل سنت، جلد سوم، ص ۲۱۷) و (کتاب مشکاة المصابیح، جلد دوم، ص ۲۳۸).

۷۶، ص ۱۵۰، روایت ۱۰ باب ۲۶، وسائل الشیعه باب ۷۶- کافی ج ۶ ص ۵۲۱ روایت ۲)، توصیه به تعظیم شعائر اسلامی و ساختمان مسجد و شرکت در جماعت مسلمین (سوره توبه آیه ۱۸، سوره کهف آیه ۲۱) (مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۶۴)، توصیه به برآوردن نیازهای عمومی زندگی اجتماعی (سوره توبه آیه ۱۲۸) و توصیه به وقف (سوره مریم آیه ۷۶، سوره توبه آیه ۱۸)، توصیه های اخلاقی اجتماعی و نیز قوانین مالکیت زمین در جهت حفظ امنیت محیط شهری (سوره بقره آیه ۱۲۶ سوره ابراهیم آیه ۳۵، سوره نساء آیه ۵۸)، لزوم برقراری عدالت اجتماعی و برخورداری همه شهروندان از امکانات عمومی (الحیاء، ج ۶، ص ۳۷۲. سوره نحل آیه ۹۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۸۱)، نهی از نشستن در معابر (جواهر البخاری، ص ۲۸۴)، پاکیزه کردن معابر (جواهر البخاری، ص ۲۸۵)، عدم قطع درخت (کتاب مشکاة المصابیح، جلد دوم، ص ۲۳۸)، پاکیزه نگاه داشتن معبر و محلهای عمومی (کتابچه راهنمای کاربر حدیث، ص ۴۵)، تقسیم عادلانه منابع طبیعی (کتاب مشکاة المصابیح،

جدول ۳. ویژگیهای شهر اسلامی در قالب علل چهارگانه

شبکه شهر های متحدالمركز - معرفی مسجد بعنوان مركز شهر و فضایی چند کاربردی - توسعه فضای سبز - اصل حرمت ساختن بناهای مرتفع - مجاورت بازار و مسجد - توجه به کارآیی شبکه های ارتباطی - سلسله مراتب معابر - شیوه مکان یابی و مکان گزینی شهر - توجه به امنیت و دفاع - توجه به مسکن - ایجاد فضاهای امن و قابل دفاع	علت مادی
استفاده از مصالح یکدست بومی - رابطه مستقیم کارکردها با ظاهر بنا - پرهیز از تجمل - ترکیب فرم با انگاره های آیینی - احترام به مقیاس انسانی - زیبا سازی محیط شهری - اهمیت بخشیدن به مفهوم حسن و زیبایی	علت صوری
رعایت حقوق همسایگی - پرهیز از اسراف و فساد - توجه به حقوق زندگی اجتماعی و شهروندی - ایجاد مفهوم شهروندی - تقویت نهاد های آموزشی - ارتقای سطح رفاه عمومی - عینیت گرایی در مدیریت شهری - توجه به معیشت شهروندان - توجه به قانون - توجه به اخلاق و آداب نیکوی اجتماعی - توازن و هماهنگی - میانه روی شهر مناسب با ایده ال های روحی روانی بشر - توجه به زندگی اجتماعی - افزایش تعاملات اجتماعی - ایجاد شوراهای و همبستگی نهاد ها - توجه به عرصه های فرهنگی، اقتصادی، مذهبی، سیاسی و اخلاقی شهروندان - توجه به عرصه حیات مدنی شهر - تعاون - افزایش تعلقات اجتماعی شهروندان - حفظ رابطه انسان با طبیعت - تقویت نهاد خانواده - توجه به بهداشت و فضاهای بهداشتی - توجه به عمران و آبادانی - توجه به اخلاق و آداب نیکوی اجتماعی - درون گرایی - توجه به جغرافیای انسانی و طبیعی - توجه به اصل محرمیت - رعایت سلسله مراتب - محله به عنوان مجموعه ای فعال و پویا - نبود حاشیه نشینی - تطابق فضا با نیاز استفاده کنندگان - هماهنگی با بستر طبیعی، تاریخی، فرهنگی - جوانگرایی و شایسته سالاری در مدیریت شهری	علت غایی

<p>تقویت و ایجاد نشانه‌های شهری (تذکر) - فقدان شمال و جنوب اجتماعی - رعایت آزادی‌های فردی - برنامه‌هایی برای رسیدگی به محرومان - توجه به سنت وقف برای پایداری فضاهای شهری - کرامت انسانی - امر به معروف و نهی از منکر - محوریت تسبیح و عبودیت خداوند جهت سیر الی‌الله - وحدت در کثرت - تقویت هویت دینی (انتساب به خداوند سبحان) - محوریت اعتقادات مذهبی - ایجاد عدالت در شهر - مشارکت و برابری در شهر - حرمت میثاق‌های اجتماعی - صلح - رحمت - سبقت در خیر - توجه به مفاهیم حد و حریم - توجه به عرصه‌های اقتصادی از جمله زکات</p>	<p>علت فاعلی</p>
--	------------------

بحث و نتیجه‌گیری :

که مسلماً پذیرش این موضوع پیش فرض هر گونه مقایسه غیرمتعصبانه‌ای خواهد بود. گرچه توافق صددرصدی در خصوص تعریف نیازهای استفاده‌کنندگان وجود ندارد با این حال می‌توان این نیازها را در خصوص فضاهای شهری در بخش‌های نیازهای کالبدی - عملکردی، روحی - ذهنی و معنوی تقسیم بندی کرد. از میان این نیازها دو دسته اول با در نظر گرفتن تفاوت‌هایی که در مقتضیات زمانی و مکانی دارند، در هر دو بخش شاخص‌های استخراج شده از نظرات متفکران غربی و نیز شاخصه‌های شهر اسلامی مورد تاکید و اشاره قرار گرفته‌اند. اما آنچه در این دو حوزه متفاوت است، میزان برآورده سازی نیازهای معنوی و اهمیت این موضوع در تعیین شاخص‌های کیفیت زندگی شهری است که به نوعی متناظر علت فاعلی از عوامل چهارگانه می‌باشد. برای امکان مقایسه آسانتر بین دو حوزه فوق، شاخص‌های استخراج شده بر مبنای علت چهارگانه تقسیم بندی شده و نتایج کمی هر بخش مطابق جدول زیر می‌باشد:

عناصر کالبدی شهر و معماری، تابع مقتضیات زمانی و مکانی بوده و نمی‌توان فارغ از ویژگیهای زمان و مکان در خصوص آنها به تجزیه و تحلیل قابل قبولی دست یافت. این مساله در خصوص مقایسه معیارهای کیفیت فضایی معاصر و ویژگیهای شهر اسلامی نیز مصداق داشته و لذا با تامل در تفاوت‌های عمده‌ای که بین این دو وادی موجود است، مقایسه تک به تک عوامل استخراج شده به علت وجود عوامل مداخله‌گر غیرقابل اغماض، چندان نتیجه بخش نخواهد بود و لذا جهت بررسی تطبیقی این دو دیدگاه با توجه به توافق عمومی که نسبت به علل چهارگانه فلسفی وجود دارد، این تقسیم بندی محمل مناسبی برای این سنجش تشخیص داده شد.

در خصوص این مقایسه توضیح این نکته ضروری است که هدف نهایی معماران و شهرسازان در هر مکتب و با هر بینشی در درجه اول برآوردن نیازهای استفاده‌کنندگان می‌باشد

علتها	شاخص‌های تعیین کیفیت فضای شهری از دیدگاه متفکران معاصر	ویژگی‌ها و مولفه‌های شهر اسلامی
علت مادی	٪ ۳۳/۱۷	٪ ۱۵/۷۱
علت صوری	٪ ۱/۳۹	٪ ۱۰
علت غایی	٪ ۵۸/۹۰	٪ ۴۸/۵۷
علت فاعلی	٪ ۶/۵۴	٪ ۲۵/۷۱

۳۳ درصد، علت فاعلی با حدود ۷ درصد و نهایتاً علت صوری با حدود ۱ درصد کل شاخصها تقسیم بندی شده‌اند. در بخش ویژگیهای شهر اسلامی پس از علت غایی با حدود ۴۹ درصد، علت فاعلی با ۲۶ درصد، علت مادی با حدود ۱۵ درصد و نهایتاً علت صوری با ۱۰ درصد فراوانیها را به خود اختصاص داده‌اند.

همانطور که مشاهده می‌شود در هر دو بخش مورد مقایسه علت غایی بیشترین کمیت را در میزان شاخصها داشته‌اند که این درصد در شاخصهای مستخرج از تحقیقات غربی بیشتر از مولفه‌های شهر اسلامی می‌باشد. در شاخصهای تعیین کیفیت فضای شهری پس از علت غایی، علت مادی با حدود



زندگی یک شهروند است در حالیکه در دیدگاه اسلامی معیار مناسب بودن فضای زیست بیش از آنکه مولفه‌های فیزیکی و روانی آن باشد، برآوردن نیازهای معنوی انسان در زندگی شخصی و نیز تعاملات او با دیگر انسانهاست که هدف نهایی آن کمال معنوی ساکنان است که مصداق عملی این موضوع در بحث حرایم فردی و خانوادگی به راحتی قابل مشاهده است. به عنوان جمع بندی نهایی می توان گفت معمار و شهرساز اسلامی با اعتقاد به حکمت مستتر در تمام ارکان و پدیده‌های جهان هستی و وحدت حاکم بر آن، در ایجاد هر اثر کالبدی با پیروی از اصول و مبانی فکری اسلامی و فطری خود سعی در برآوردن توامان تمامی نیازهای استفاده‌کنندگان داشته و برآورده کردن این نیازها را جز در سایه ایجاد تذکر و فراهم کردن زمینه لازم برای سیر الی الله در کالبد شهر و معماری ممکن نمی بیند و این مشخصه ایست که در دیدگاه فکری متفکران غربی در خصوص معیارهای کیفیت زندگی شهری- علیرغم تمام موفقیت‌هایی که در برآوردن نیازهای کالبدی و روانی داشته‌اند- کم رنگ دیده شده و می توان گفت علت فاعلی نهفته در پس طرح‌های معماران و شهرسازان غربی، تفکرات و ایده‌آلهای شخص طراح بوده و از پشتوانه الهام و معنویت توحیدی بی بهره است.

بر خلاف آنچه تصور می شود اهمیت علل صوری در ویژگیهای عنوان شده برای شهر اسلامی، بیشتر از تعداد شاخصهای صوری مورد توجه در تعیین کیفیت فضای شهری در دوران معاصر است و برعکس این نسبت در علل مادی در شاخصهای جدید بیشتر دیده می شود. در مورد علت فاعلی می توان گفت که در دیدگاه اسلامی تمامی علت‌ها ریشه در جهان بینی و اعتقادات طراح داشته و در واقع نقش علت هدایت کننده سایر علل را دارا می باشد در حالیکه در میان شاخصهای تعیین کیفیت زندگی از دیدگاه غربی، علل فاعلی در جهت ارتقا سطح زندگی معنوی انسانها بسیار کم رنگ دید شده و در صدی حدود ۱ درصد را به خود اختصاص داده است. در توجیه این مطلب می توان گفت هدف نهایی معمار و شهرساز مسلمان فراهم کردن زمینه‌ای برای کمال و ارتقای معنوی استفاده‌کنندگان از فضا و در واقع استفاده از کالبد و فضا به عنوان ابزاری در دست هنرمند برای "تذکر" می باشد. به عنوان مثال مسکن و ویژگیهای آن در هر دو دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته و از آیت‌های مهم در تعیین کیفیت زندگی برشمرده شده است، با اینحال نحوه نگرش به آن در دیدگاه متفکران غربی، نگرشی است که ملاک آن برآورده سازی استانداردهای فیزیکی و روانی



منابع:

۱. قرآن کریم
۲. اسمیت، دیوید. ۱۳۸۱. زندگی رفاه انسانی و عدالت اجتماعی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، مترجم حسین حاتمی نژاد و حکمت شاهی اردبیلی، شماره ۱۸۶ - ۱۸۵.
۳. امین زاده، بهناز؛ تقی زاده، محمد، ۱۳۸۱. آرمانشهر اسلام: شهر عدالت، دوفصلنامه صغه، شماره ۳۵ ص ۲۰.
- امینی، مهدی، ۱۳۸۵. شاخصهای کیفیت زندگی شهروندی و نقش و وظایف دولت، هفتمین کنفرانس بین المللی مدیران کیفیت، مجموعه‌هایشهای بین المللی اجلاس، تهران.
۴. حافظ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری، کتاب صحیح بخاری.
۵. سلیم حکیم بسیم، ۱۳۸۱. شهرهای عربی- اسلامی اصول شهرسازی و ساختمانی، ترجمه محمد حسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم - انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۶. سلیم حکیم بسیم، ۱۳۷۸. شکل شهر در فرهنگ سنتی اسلامی، مجله شهرداریها، شماره ۳.
۷. پاکزاد، جهانشاه، ۱۳۷۶. طراحی شهری چیست، مجله ی آبادی، ویژه ی طراحی شهری، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۳۶-۳۰، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و شهرسازی معماری ایران.
۸. محمد بن عبدالله الخطیب التبریزی، ۱۹۳۸. ترجمه انگلیسی فضلال کریم، کتاب مشکاة المصابیح.
۹. رضایی راد، ۱۳۷۸. سخنرانی ایراد شده در دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ۱۳۷۷ و چاپ شده در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد ۱. انتشارات میراث فرهنگی تهران.
۱۰. سید سابق، ۱۹۶۹. کتاب فقه اهل سنت.
۱۱. صبحی صالح، ۱۹۶۵. کتاب نظم اسلامی.
۱۲. قرضوای یوسف، ۱۹۶۹. کتاب حلال و حرام در اسلام.
۱۳. سید موسوی، ۹۱. سید حسین، جواد نوایی، بایسته‌های شهر مطلوب در آرمانشهر اسلامی، اندیشه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی صفحه ۱۸۳.
۱۴. سید علی عماد-عباسعلی سنایی راد، ۱۳۸۷. مولفه‌های شهر اسلامی-همایش آرمانشهر اسلامی -اصفهان.
۱۵. علی آبادی، محمد، بهار ۱۳۸۲. شهر خداوند تصویری از ساختار معنایی آرمان شهر اسلامی، نشریه: هنر و معماری «مدرس هنر»، شماره ۳ دوره اول.
۱۶. غفاری غلامرضا، امیدی رضا، ۱۳۸۷. کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران، رفاه اجتماعی، گروه برنامه ریزی اجتماعی، دانشگاه تهران، پاییز و زمستان.
۱۷. گلکار، کورش، ۱۳۷۹. مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، مجله صغه شماره ۳۲.
۱۸. گل، یان، ۱۳۸۷. زندگی در فضای میان ساختمان‌ها، ترجمه شیما شصتی، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۹. مدنی پور، علی، ۱۳۷۹. طراحی فضای شهری، ترجمه ی فرهاد مرتضایی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهریتهران.
۲۰. محمد مبارک، ۱۹۷۲. کتاب نظام اسلام: الاقتصاد مبادی و قواعد عامه.
۲۱. محمد مبارک، ۱۹۷۴. کتاب نظام اسلام: حکم و دولت.
۲۲. محمد علیمشکات، ۱۳۸۷. مدینه فاضله از آرمان تا واقعیت، همایش آرمانشهر اسلامی - اصفهان.
۲۳. محمد عماره، مصطفی، کتاب جواهر البخاری.



۲۴. مرتضی، هشام، ۱۳۸۷. اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، مترجمین ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، چاپ اول.
۲۵. مولانا محمد علی، کتابچه راهنمای کاربر حدیث.
۲۶. مومنی، مصطفی، ۱۳۷۳. سرچشمه‌های جهان بینی و آیین شهرسازی ایرانی-اسلامی، نشریه: جغرافیا «تحقیقات جغرافیایی» - شماره ۳۳.
۲۷. نقره کار، عبدالحمید، ۱۳۸۷ در آمدی بر هویت اسلامی در معماری، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۲۸. نقی زاده، محمد، ۱۳۸۳. بارزه‌های شهر و معماری اسلامی، نشریه نامه: ادبیات و زبانها- فرهنگستان علوم - شماره ۲۶ و ۲۷، پاییز و زمستان.
۲۹. نقی زاده، محمد، ۱۳۹۰. ریشه‌های شهر اسلامی در متون اسلامی، کتاب ماه هنر - شماره ۱۵۵.
۳۰. نقی زاده، محمد، ۱۳۹۲. شهر اسلامی و روش بهره‌گیری از متون مقدس، کتاب ماه هنر شماره ۷۱۷.
۳۱. نقی زاده، محمد، ۱۳۷۸. منابع و روش شناختی مبانی نظری معماری قدسی و شهر اسلامی، کتاب ماه هنر، شماره ۴۰. نوربرگ شولتز، کریستیان، هستی، فضا و معماری، ۱۳۵۴. ترجمه محمدحسن حافظی، انتشارات دانشگاه تهران. تهران، سید حمید نوحی، ۱۳۸۰. شهر ربانی، ماهنامه شهرداریها، شماره ۲۴.
۳۲. مجله صفا، ۱۳۸۱. شماره ۳۵.
۳۳. مجله شهرداریها، ۱۳۸۷. شماره ۳.

34. Asiaweek.com. The Best of Asia's Cities - How We Did It. 2002. Online. Internet.

Available <http://www.asiaweek.com/asiaweek/features/asiacities200Q/how.html>

35. Bederman, Sanford H. 1974, 'The Stratification of 'Quality of Life' in the Black Community of Atlanta, Georgia,' Southeastern Geographer XIV 26-37.

36. Bardhan, Ronita, H. Kurisu, Kiyo & Hanaki, Keisuke, 2011, Linking Urban Form and Quality of Life in Kolkata, India, 47th ISOCARP Congress.

37. Boyer, Richard and David Savageau, 1985, Places Rated Almanac: Your Guide to Finding the Best Places to Live in America. New York: Rand McNally.

38. Brown, J.; Bowling, A. & Flynn, T, 2004, "Models of quality of life: A taxonomy, overview and systematic review of the literature". European forum on population ageing research. Available at: http://www.ageing-research-group.shef.ac.uk/pdf/qol_review_no_tables.pdf. (1390/11/02).

39. Nathan Cardinal and Emilie K. Adin November An Urban Aboriginal Life: The 2005 Indicators Report on the Quality of Life Of Aboriginal People in the Greater Vancouver Area 2005.

40. Callaghan, C. 1994, 'How women rank Canada's 25 biggest cities', Chatelaine, April.

41. Conflict Between Growth And Quality Of Urban Life 2006: Initial Findings From An Ongoing Study In Metropolitan Istanbul. Paper presented at EDRA37, Atlanta, May 3-7.



42. Cutter, Susan L. 1985, Rating Places: A Geographer's View of Quality of Life. Washington: Association of American Geographers Resource Publications in Geography.
43. City of Toronto. 1993, Toronto's First State of the City Report. City of Toronto.
44. Canadian Mortgage and Housing Corporation (CMHC). 2004. Research Highlights: Quality of Location and Quality of Life in Central Montreal Neighbourhoods. Online. Internet. January 2004. Available: <http://www.cmhcschl.gc.ca/publications/en/rh-pr/socio/socio04-005-e.pdf>
45. The Canadian Housing Information Centre Canada Mortgage and Housing Corporation Building 1993.
46. Derya Oktay, Ahmet Rustemli, 2010, measuring the quality of urban life and neighbourhood satisfaction, international journal of social sciences and humanity studies Vol 2, No 2.
47. Derya Oktay and Robert W. Marans, 2010, Overall quality of urban life and neighborhood satisfaction.
48. Dickson, Joshua C. III, Robert J. Gray and David M. Smith. 1972, "The 'Quality of Life' in Gainesville, Florida: An application of Territorial Social Indicators," Southeastern Geographer XII 121-132.
49. Grayson L., Young K, 1994. Quality of Life in Cities: An Overview and Guide to the Literature. The British Library, London.
50. Donald, Betsy. Economic Competitiveness and Quality of Life in City Regions, 2001: A Review of the Literature. Ottawa: Human Resources Development Canada.
51. Amanda Dudding and Antoinette Hastings, Quality of Life Survey 2010 Eight Cities Report, Report Prepared For: Quality of Life Survey Team.
52. Defilippis, James, 2001, the myth of social capital in community development, housing policy debate, 12(4), p. 781-806.
53. Dilks, D. Measuring Urban Sustainability 1996: Canadian Indicators Workshop. Toronto: Prepared for the State of the Environment Directorate, Environment Canada and the Centre for Futures Studies in Housing and Living Environments, Canada Mortgage and Housing Corporation.
54. Environics Research Group, 1995, Quality of Life in the GTA. Phase 2. Attitudinal Study. Toronto: Greater Toronto Co-ordinating Committee and Office of the Greater Toronto Area.
55. Eduardo Lora, Andrew Powell, 2011, A New Way of Monitoring the Quality of Urban Life, Inter-American Development Bank.
56. Fatma ERKÖK, 2009, Potentials for improving the quality of urban life; Istanbul Technical University Faculty of Architecture, Istanbul, TURKEY.
57. Fayers P M, Machin D, 2000, quality of life assessment, Analysis and interpretation, John Wiley, New York.
58. Flax, Michael, 1973, A study in comparative social indicators: conditions in eighteen large metropolitan areas. Washington: U.S. Environmental Protection Agency, Office of Research Monitoring, The Quality of Life Concept: A Potential New Tool for Decision-Makers. 244-290.



59. Florida, Richard, 2000, 'Competing in the Age of Talent: Quality of Place and the New Economy,' Pittsburg: R.K. Mellon Foundation. January.
60. Janse, A.J. et al, 2004, "Quality of life: patients and doctors don't always agree: a meta-analysis". Journal of Clinical Epidemiology. Vol. 57, No. 7.
61. harvay, david, 2012, capitalism and the urban struggle, an interview with boston review Kuz, Tony J. 'Quality of Life, an Objective and Subjective Variable Analysis,' Regional Studies 12, 1978, 409-417.
62. Hagerty, Michael R. et al, 2001, "Quality of life indexes for national policy: review and agenda for research". Social Indicators Research. Vol. 55, No. 1.
63. Langway, Lynn, 2002, The Best Cities for Women 2002. Ladies Home Journal Online. Online. Internet. Available <http://www.lhi/printableStorv.ihtml;isessionid+HFDKLBBLPSOGFOFIBOPR42>.
64. lefebvre, henry, 1991, production of space, translated by donald nicholson smith, oxford, Blackwell.
65. Murdie, Robert A., Darla Rhyne, and Judy Bates, 1992, 'Modelling Quality of Life Indicators in Canada: A Feasibility Analysis. Institute for Social Research, York University.
66. Palys, T.S., 1973, Social Indicators of Quality of Life in Canada: A Practical/Theoretical Report. Winnipeg: Manitoba Department of Urban Affairs.
67. Peat Marwick Consulting Group. Regional Municipality of Hamilton-Wentworth Quality of Life Study, 1988.
68. Psatha, Eva, Deffner, Alex, Psycharis Yannis. European Regional Science Association 51st European Congress Barcelona, Spain. Defining the quality of urban life: Which factors should be considered?
69. Rahman, Tauhidur, Ron C. Mittelhammer, and Philip Wandschneider. Measuring the Quality of Life Across Countries: A Sensitivity Analysis of Well Being Indices. WIDER International Conference on Inequality, Poverty, and Human Well Being. May 30-21. Helsinki, Finland. 2003.
70. Raphael, D., Brown, I., Renwick, R., & Rootman, I, 1996a, Quality of life indicators and health: current status and emerging conceptions. Social Indicators Research, 39, 65-88.
71. Reid, Angus. , 1991, 'Urban Canada Study,' As reported in the Newsletter, Institute of Urban Studies, University of Winnipeg, December.
72. Rogerson, Robert, 1999, 'Quality of life and city competitiveness'. Urban Studies, vol. 36, no. 5-6. 969-985.
73. RIVM, 2002. In: Bouwman, A., van Kamp, I., van Poll, R. (Eds.), Workshop liveability 2002, 18 December 2001.
74. Quality of Life in New Zealand's Eight Largest Cities 2003". Online. Internet. Available <http://www.bigcities.govt.nz>
75. Schalock, Robert L, 2000, "Three decades of quality of life". Focus on Autism and Other Developmental Disabilities. Vol. 15, No. 2.
76. Shulman, Norm and Wayne Bond, 1978, Urban Indicators: Statistical Profiles of Quality of Life for Canadian Cities. Ottawa: Human Environment Directorate, Ministry of State for Urban Affairs, Revised Edition.



77. Shulman, N., W. Bond and M. Nelson, 1980, Quality of Life Measures for Medium-Sized Canadian Cities. Ottawa: Canada Mortgage and Housing Corporation.
78. Slottje, Daniel, J., Gerald W. Scully, Joseph G. Hirshberg and Kathy J. Hayes, 1991, Measuring the Quality of Life Across Countries: A Multidimensional Analysis. Boulder, Colorado and Oxford: Westview Press.
79. Smith, David M, 1973, The Geography of Social Well Being in the United States: An Introduction to Territorial Social Indicators. New York: McGraw-Hill.
80. State of the art report on Life Quality assessment Sonja Forward, Swedish National Road and Transport Research Institute Linköping – Sweden, September, 2003.
81. Ulengin, Burcu, Fusun Ulengin & Umit Guvenc, 2001, A multidimensional approach to urban quality of life: The case of Istanbul, European Journal of Operational Research, 130, pp 361-274.
82. WHOQOL Group, 1993, "Study protocol for the World Health Organization project to develop a quality of life assessment instrument". Quality of Life Research. No.2.
83. The World Health Organization's WHOQOL-BREF quality of life 2004.
84. The World Health Organization Quality of Life (WHOQOL)-BREF © World Health Organization 2004.
85. Wolfgang Breuer and Dominique Schaeling, Determining Indicators of Quality of Life Differences in European Cities 2011-2013.
86. "World-wide Quality of Life Survey" Online. Internet. 1 March 2004. Available <http://www.mercerhr.com/pressrelease/details.ihtml?idContent=1128760>.





• Comparing Urban Life Quality Criteria in Contemporary Researches and Islamic City Features Based on Four Architecture Causes

• Dr. Sanaz Litkouhi*

Assistant Professor, Department of Art and Architecture,
Payame Noor University

• Sepideh Sanjari**

Master of architecture, Payame Noor University

• Abstract

This article seeks to compare the standards of urban life quality and extracted concepts of Islamic city based on four causes of architecture.

The main reason of this research is comparing what researchers mentioned as urban life quality criteria and standards and features of an Islamic city drawn by the Islamic sources.

All the schools of architecture and urban designing agree that the most important goal of designing is to meet the physical and psychological needs of mankind with the highest quality. Although there is not an exact definition of quality of life that all researchers agree on, but it is possible to achieve the main standards and features by reviewing the studies that have been done about this subject.

To achieve this goal, the criteria of urban life quality from the western point of view has been studied and classified while extracting, to make it possible to evaluate the features quantitatively. Besides, features of Islamic utopia are studied and extracted from both religious references and ancient Islamic cases.

The main issue for comparing the results is the effect of architects and urban designers' points of view and believes on urban spaces. In fact, subjective cause between four causes of architecture is the main source of architectural inspiration. Therefore, the extracted criteria of life quality have been studied based on this scale and results show that only 1% of urban life quality features are driven from this point of view. In other words just 1% of these features have been considered for meeting clients' spiritual needs, while this ratio in Islamic city features is much bigger and it means that the role of architects and designers believes is too important in Islamic view. Believing in God's wisdom and the union, behind the diversity that is seen in Islamic architecture, makes Islamic architects' view more comprehensive and wiser than other designers.

To sum up, Islamic utopia tries to achieve a better human life by meeting their physical, psychological and especially spiritual needs. Shortly, it illustrates the intention of "Remembrance" in architecture and urban designing.

Key words: urban life quality, criteria, Islamic city, subjective cause